

مرور زمان شکایت در نظام کیفری ایران

سیدعباس جزایری^۱ و احمد مهدوی نسب^۲

^۱استادیار گروه حقوق، دانشگاه آزاداسلامی واحد شهرکرد

^۲دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه آزاداسلامی واحد شهرکرد

چکیده

مرور زمان در امور کیفری، از جمله قواعد آمره می باشد و اعمال آن موجب می گردد که دعوای کیفری سقوط پیدا کند. قانونگذار در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ چهار نوع مرور زمان را مختص جرایم تعزیری مورد پذیرش قرار داده که یکی از آن ها مرور زمان شکایت است. در این مقاله با اتخاذ رویکرد کتابخانه ای و توصیفی-تحلیلی به بررسی مرور زمان شکایت در نظام کیفری ایران پرداخته شد. نتایج بررسی ها نشان داد که پس از فراز و نشیب های بسیار، قانونگذار در ماده ۱۰۶ ق.م.ا. مصوب ۱۳۹۲ در کنار سایر انواع آن (تعقیب، صدور حکم، اجرای مجازات) به رسمیت شناخته شد. این نوع مرور زمان که در جرایم تعزیری قابل گذشت جریان می یابد، به معنای آن است که اگر متضرر از جرم در مهلت یکسال از تاریخ اطلاع از وقوع جرم علیه متهم شکایت ننماید و دلیلی بر صرف نظر کردن وی از طرح شکایت نباشد، آن جرم مشمول مرور زمان می گردد. با این حال درانتهای ماده مذکور استثنائاتی راجع به این قسم از مرور زمان مطرح شده است که در این مقاله به آن پرداخته شد.

مقدمه

مقنن گاهی به لحاظ رعایت مصالح و منافع اجتماع و زمانی نیز به جهت رعایت مصالح مقدم افراد و بالاخره در بعضی از موارد به ملاحظات سیاست جنایی و اقتصادی از اجرای مجازات در مورد مجرمین صرف نظر می نماید (آخوندی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۱۸۹). در واقع فایده ای که در عدم تعقیب و رسیدگی و اجرای مجازات مشاهده می کند بیشتر از اجرای آن است. مرور زمان به عنوان یک نهاد مسقط مجازات، ابزاری است در راستای تأسیس تأمین اهداف مجازات، ایجاد نظم و استقرار عدالت کیفری و اجتماعی که از دیرباز مورد توجه نظام های حقوقی جهان قرار گرفته است (صالحی، ۱۳۹۳، ص ۴). یکی از انواع مرور زمان، مرور زمان شکایت است. منظور از مرور زمان شکایت گذشت مدتی است که شاکی یا وراث او در جرائم قابل گذشت حق دارند از تاریخ اطلاع از وقوع جرم شکایت خود را در مراجع قضایی مطرح کنند و الا شکایت آنان پس از مدت مذکور شنیده نمی شود (سیزواری نژاد، ۱۳۹۳، ص ۲۸۰).

بحث مرور زمان کیفری بحث حساس و مهمی است، مقنن بعد از انقلاب اسلامی مرور زمان کیفری را که یکی از عوامل مهم سقوط مجازات است و نقش ارزنده و مهمی از جهت سیاست کیفری به دلیل فصل پرونده های کیفری و جلوگیری از تراکم امور در مراجع قضایی از یک طرف و جلوگیری از هزینه های سرشار دادرسی و تأمین منافع فرد مورد تعقیب از جهت دیگر دارد به علت مغایرت با شرع اسلام منسوخ اعلام کرد ولی بعداً با تصویب آن در قانون آئین دادرسی کیفری سال ۱۳۷۸ و اصلاح آن در قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ آن را مجدداً مورد پذیرش قرارداد. لذا همان طور که اثبات جرم و مجازات و بحث پیرامون آن حائز اهمیت است اگر عاملی برای سقوط مجازات هم در میان باشد بررسی آن عامل یا عوامل نیز دارای اهمیت است. پس به همان اندازه که اثبات جرم و انتساب آن به بزهکار مهم است بررسی عوامل سقوط مجازات مثل مرور زمان نیز دارای اهمیت است چراکه با مشخص شدن مشروعیت مرور زمان و چگونگی آن، پذیرش آن توسط قانونگذار و رویه قضایی بهتر صورت می پذیرد. و از طرفی با توجه به حجم بسیار بالای دعاوی مطروحه در دادگاه های ایران که بنا به اظهار نظر مسئولان قضایی پرونده های کشور ما بسیار بالاتر از متوسط جهانی است. استناد به مرور زمان می تواند به عنوان یک عامل مؤثر در کاهش رسیدگی ها مورد توجه قرار گیرد و با توجه به اینکه مرور زمان پذیرفته شده در حقوق کیفری ما در وضعیت کنونی با ابهامات زیاد روبرو است. رفع این ابهامات برای جامعه حقوقی یک امر ضروری و لازم به نظر می رسد. بر همین اساس، در این مقاله به بررسی مرور زمان شکایت در نظام کیفری ایران پرداخته شده است.

تعریف اصطلاحات

مرور زمان

تعریف لغوی: مرور زمان در لغت به معنی رفتن و گذشتن، گذر کردن (عمید، ۱۳۷۵، ص ۱۰۷۹) و سپری شدن و گذشتن زمان (دهخدا، ۱۳۷۷، ص ۳۳۱) آمده است. مرور زمان در فرهنگ حقوقی عرب اغلب با عنوان التقدام و گاه مرور الزمن یا مضي الموت بیان می شود و در انگلستان مرور زمان را لی می تیشن^۱ می گویند که معنای تحت اللفظی آن تحدید است (گروه مولفان، ۱۳۸۹، ص ۳۰۸ و ۳۹۸). در زبان آلمانی به آن قاعده فریه رونک^۲ می گویند که معنای لغوی آن ریشه دواندن و یا مزمن شدن است. در فرانسه مرور زمان را پرسکریپسیون^۳ که معنی لغوی آن سرلوحه است می گویند گایوس^۴ فقیه رومی می گوید مرور زمان یکی از مخترعات حقوق مدنی بوده و گوژاس^۵ و فریریر^۶ فرانسوی و گروسوس^۷ هلندی هم از پیروان این عقیده هستند؛ ولی برعکس پوفند هم از پیروان این عقیده هستند؛ ولی برعکس پوفند ورف آلمانی^۸ معتقد است که در عداد

1 - Limitation

2 - Verjährung

3 - La prescription

4 - Gaius

5 - Gajus

6 - Ferriere

7 - Grotius

8 - Pufendorf

حقوقی طبیعی به شمار می رود و مرلن^۹ و دونود^{۱۰} هم که از علمای حقوق فرانسه هستند نیز از همین اصل پیروی کرده اند (سرشار، ۱۳۲۸، ص ۴۷).

معنای اصطلاحی: مرور زمان در قوانین کیفری تعریفی از آن به عمل نیامده است؛ اما ماده ۷۳۱ ق.آ.د.م. سابق مصوب ۱۳۱۸ در تعریف آن چنین مقرر می دارد: مرور زمان عبارت از گذشتن مدتی است که به موجب قانون پس از انقضای آن مدت دعوی شنیده نمی شود.

مرور زمان کیفری

برخی گفته اند مرور زمان صفتی عارض بر حق مجازات به خاطر گذشتن زمان است که لازمه آن منع از ادامه دعوی یا اجرای مجازات است (نبرای، ۱۹۹۶، ص ۲۲۵). یا عبارت از گذشتن مدتی است که بعد از دیدگاه قانونی، اعلام شکایت یا تعقیب و تحقیق و رسیدگی به دعوی عمومی و سرانجام اجرای مجازات تجویز نشده است (آشوری، ۱۳۹۵، ص ۳۳۲). یا گفته شده مرور زمان در حقوق کیفری یعنی سپری شدن مدتی که پس از آن تعقیب یا محاکمه و اجرای حکم قطعی امکان پذیر نیست، مبدأ محاسبه این مدت حسب مورد تاریخ وقوع جرم، اطلاع شاکی از آن، آخرین اقدام تعقیبی یا تحقیقی و یا قطعیت حکم است. بر همین اساس چهار نوع مرور زمان یعنی مرور زمان شکایت، مرور زمان تعقیب، مرور زمان صدور حکم و مرور زمان اجرای مجازات شکل گرفته است (طهماسبی، ۱۳۹۵، ص ۱۹۴).

انواع مرور زمان

نویسندگان حقوقی صرف نظر از اینکه، برخی قواعد مرور زمان را از جمله قواعد شکلی و برخی آن را از جمله قواعد ماهیتی حقوق جزا تلقی کرده اند، تقسیماتی از آن را ارائه نداده اند. بعضی از اساتید مرور زمان جزایی را شامل مرور زمان جرم و مرور زمان مجازات دانسته اند (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۴، ص ۶۳۹). اصولاً مرور زمان عبارت است از انقضای مدتی از تاریخ وقوع جرم یا تاریخ قطعیت حکم که پس از آن متهم دیگر قابل تعقیب، و حکم دیگر قاب اجرا نخواهد بود. بر این اساس مرور زمان دو نوع است: مرور زمان تعقیب و مرور زمان مجازات؛ اما طبق قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ مرور زمان چهار نوع است: (۱) مرور زمان شکایت؛ (۲) مرور زمان تعقیب؛ (۳) مرور زمان صدور حکم؛ (۴) مرور زمان اجرای مجازات (خالقی، ۱۳۹۴، ص ۱۴۱).

مرور زمان شکایت

منظور از مرور زمان شکایت گذشت مدتی است که شاکی یا وراث او در جرائم قابل گذشت حق دارند از تاریخ اطلاع از وقوع جرم شکایت خود را در مراجع قضایی مطرح کنند و الا شکایت آنان پس از مدت مذکور شنیده نمی شود (سبزواری نژاد، ۱۳۹۳، ص ۲۸).

پیشینه تقنینی مرور زمان شکایت در نظام کیفری ایران

پس از انقلاب مشروطه تا سال ۱۳۵۷

پس از استقرار مشروطیت در ایران و تدوین اولین قانون مجازات عمومی، قاعده مرور زمان با اقتباس از نظام های حقوق متداول در کشورهای غربی در نظام حقوقی ایران معمول و در مجموعه قوانین جزایی سال ۱۳۰۴ درج گردید (نوربها، ۱۳۸۴، ص ۵۱۵). در قانون مجازات عمومی اصلاحی سال ۱۳۵۲ در مواد ۴۹ الی ۵۴ جای گرفت. در ایران پیش از سال ۱۳۵۷، قوانین موجود مرور زمان را پذیرفته بودند و مقررات آن در قوانین ماهوی، یعنی مواد ۵۱ و ۵۲ قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ و سپس در مواد ۴۶ تا ۵۳ قانون مجازات عمومی اصلاحی ۱۳۵۲ پیش بینی شده بود. در اصلاحاتی که در سال ۱۳۵۲ در بخش کلیات قانون مجازات عمومی به عمل آمد، نوع جدیدی از مرور زمان که می توانستیم آن را مرور زمان شکایت بنامیم. در مورد دسته خاصی از جرائم، یعنی جرایمی که تعقیب آنها موکول به شکایت شاکی خصوصی بوده، به عنوان سومین نوع مرور زمان،

9 - Marlin

10 - Dunod

بدین شرح در ماده ۴۸ پیش بینی شد: "در مواردی که تعقیب جزایی موکول به شکایت متضرر از جرم است، هرگاه تا شش ماه از تاریخ اطلاع از وقوع جرم شکایت نکند، حق تعقیب جزایی ساقط می شود، مگر اینکه متضرر از جرم تحت سلطه قانونی متهم بوده و یا به عللی که خارج از اختیار او بوده، قادر به شکایت نباشد که در چنین موردی از تاریخ رفع سلطه قانونی و علل مذکور، شش ماه مهلت شکایت خواهد داشت، مگر اینکه جرم مشمول مرور زمان شده باشد. هرگاه متضرر از جرم قبل از انقضا مدت مذکور فوت کند و دلیلی بر انصراف صریح یا ضمنی او از شکایت موجود نباشد، تعقیب متهم از طرف یک یا کلیه وارث قانونی در صورتی به عمل می آید که شش ماه از تاریخ فوت نگذشته باشد."

بعد از انقلاب ۱۳۵۷

همانطور که گفته شد در حقوق کشور ما نیز در قوانین قبل از انقلاب تا سال ۱۳۵۷ مرور زمان مورد پذیرش قرار گرفته بود؛ اما با پیروزی انقلاب و استقرار حکومت اسلامی حذف قوانین مخالف و مغایر شرع و جایگزین کردن احکام اسلامی در راستای اجرای اصل ۴ قانون اساسی به ویژه امور کیفری در رأس اهداف دستگاه قانونگذاری کشور واقع شد و بر اساس همین موضوع مرور زمان از جمله مسائلی بود که بعد از پیروزی انقلاب با مخالفت شورای نگهبان روبرو شد. در قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۶۱ و ۱۳۷۰ قانونگذار اشاره ای به آن نداشت؛ زیرا مشروعیت آن از نظر فقها مورد تردید بوده و بسیاری از فقها با آن مخالفت کرده و مبنای شرعی برای آن نیافته بودند. با وجود اختلافاتی که بین فقها در این خصوص وجود داشت، شورای نگهبان در نظریه شماره ۱۳۶۱/۱۱/۲۷/۷۲۵۷ آن را مخالف موازین شرعی تشخیص داد؛ اما در موارد مختلفی همچون شکایت چک پرداخت شدنی، دعای مربوط به اسناد تجاری، تجدیدنظر از آراء دادگاه ها و تخلفات انتظامی مرور زمان در معنای عام آن پذیرفته شده است (زراعت، ۱۳۹۳، ص ۲۹۴).

با تصویب قانون آئین دادرسی، دادگاه های عمومی و انقلاب در سال ۱۳۷۸ در بند ششم ماده ۶ مرور زمان را یکی از موارد موقوفه تعقیب دانسته و فصل ششم قانون مزبور مشمول بر مواد ۱۷۳ الی ۱۷۶ مرور زمان را نسبت به جرائم مستوجب مجازات بازدارنده و اقدامات تأمینی و تربیتی پذیرفتند؛ اما به دلیل عدم وجود ضابطه تفکیک بین مجازات بازدارنده و تعزیرات، در بین قضات و حقوقدانان اختلاف ایجاد گردید که تصویب قانون مجازات اسلامی در سال ۱۳۹۲ و تسری آن به مجازات تعزیری به طور کلی به این اختلافات پایان داد و این تأسیس حقوقی کلیه جرائم تعزیری به غیر از تعزیرات منصوص شرعی و مواردی که در ماده ۱۰۹ این قانون آمده را به رسمیت شناخته است. در قانون جدیدالتصویب مواد ۱۰۵ و ۱۰۹ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ شامل مرور زمان می گردد.

مرور زمان شکایت در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲

چنانچه گفته شد، با تصویب ماده ۴۸ ق.ع. سال ۱۳۵۲ نوعی از مرور زمان کیفری تحت عنوان مرور زمان شکایت در قوانین ایران شناخته شد. اما در آخرین قانون تصویب شده، در بازنگری و اصلاحاتی که مجدداً توسط قانونگذار در سال ۱۳۹۲ در قانون مجازات اسلامی صورت گرفت، مرور زمان شکایت با اختصاص دادن ماده ای به خود (ماده ۱۰۶) دوباره مقبولیت یافت. لذا در کنار سایر انواع مرور زمان کیفری مقبولیت یافت.

در مرور زمان شکایت، با گذشت مدتی از تاریخ اطلاع از وقوع جرم و عدم شکایت متضرر از جرم، دیگر شکایت کیفری قابل استماع نخواهد بود. این امر در ماده ۱۰۶ ق.م.ا. ۱۳۹۲ پیش بینی شده است:

در جرائم تعزیری قابل گذشت هرگاه متضرر از جرم در مدت یک سال از تاریخ اطلاع از وقوع جرم، شکایت نکند، حق شکایت کیفری او ساقط می شود. مگر اینکه تحت سلطه متهم بوده یا به دلیلی خارج از اختیار، قادر به شکایت نباشد که در این صورت مهلت مزبور از تاریخ رفع مانع محاسبه می شود. هرگاه متضرر از جرم قبل از انقضای مدت مذکور فوت کند و دلیلی بر صرف نظر وی از طرح شکایت نباشد، هریک از ورثه وی در مهلت شش ماه از تاریخ وفات، حق شکایت دارد.

تبصره- غیر از مواردی که شاکی تحت سلطه متهم بوده، در صورتی به شکایت وی یا ورثه او رسیدگی می شود که جرم موضوع شکایت ماده (۱۰۵) این قانون مشمول مرور زمان نشده باشد.

نوع جرم در مرور زمان شکایت

نکته حائز اهمیت که در ماده ۴۸ ق.م.ع. بیان شده بود، آن است که عدم عایت مرور زمان شکایت بنا بر صراحت ماده فوق، ۶ ماه از تاریخ اعلام از وقوع جرم در نظر گرفته شده بود. در حالی که در ماده ۱۰۶ ق.م.ا. سال ۱۳۹۲ این مهلت از ۶ ماه به یک سال افزایش یافته است. از طرفی مقنن در ماده ۴۸ ق.م.ع. از مواردی که تعقیب جزایی موکول به شکایت متضرر از جرم بود، به روشنی معلوم نبود و ظاهراً مواردی بود که در ماده ۲۲۷ و ۲۱۴ ق.م.ع. ذکر شده بود در این موارد قابل گذشت بودن جرم صریحاً ذکر شده بود. به نظر برخی «عبارت ماده ۴۸ جامع و مانع نبود و شامل بخش عمده ای از جرایم علیه مالکیت و اموال نمی شد مانند ایراد ضرب و جرح عمدی که موجب سقط جنین می شد و معمولاً توسط زن اعلام می گردید و لذا پیشنهاد می دادند اگر مقنن مقرر می کرد در جرایمی که گذشت شاکی خصوصی موجب متوقف ماندن تعقیب متهم می شود، مانند بند ۲ ماده ۸ و ۶۶ آ.د.ک.، مناسب تر می بود (پارسایی، ۱۳۹۲، ص ۶۶). این مشکلات و ابهامات در ق.م.ا. بدین شکل حل شده است و قانونگذار مرور زمان را به صراحت در ماده ۱۰۶ جرایم تعزیری قابل گذشت در نظر گرفته است. مفهوم جرایم قابل گذشت، به لحاظ مورد توجه قرار گرفتن آن در مبحث مرور زمان شکایت در تبصره یک ماده ۱۰۰ به این گونه تعریف شده است: جرایم قابل گذشت، جرایمی می باشد که شروع ادامه و تعقیب و رسیدگی و اجرای مجازات منوط به شکایت شاکی و گذشت وی است. در ماده ۱۰۴ ق.م.ا. مقنن مصادیق جرایم قابل گذشت را بیان نموده است. بطوری که غیر از آن موارد جزء جرایم غیر قابل گذشت (به لحاظ آن که اصل بر غیر قابل گذشت بودن جرایم است) محسوب می شود و بنابراین مرور زمان شکایت در مورد آنها نمی تواند مصداق داشته باشد.

بنابراین، مرور زمان شکایت در جرائم تعزیری پذیرفته شده است، بنابراین در جرائم مستوجب قصاص، دیات و حدود جریان ندارد. همچنین مرور زمان شکایت در همه جرائم قابل تعزیر جریان ندارد بلکه در جرائم تعزیری قابل گذشت جریان دارد، لذا شامل جرائم تعزیری غیرقابل گذشت نخواهد بود. همچنین جرائم تعزیری قابل گذشت در ماده ۱۰۴ ق.م.ا. سال ۱۳۹۲ پیش بینی شده است.

مدت مرور زمان شکایت

مدت و زمان مرور زمان شکایت در ماده ۴۸ ق.م.ع. شش ماه در نظر گرفته شده بود. علت آنکه این مدت برای این نوع مرور زمان در نظر گرفته شده مشخص نشده بود. برخی گفتند: «شش ماه، برای نشستن گرد فراموشی بر ضرری که واقع شده کافی است. یا عدم اعلام شکایت متضرر را در این مدت برای ایجاد علم نسبت به اعراض و انصراف وی از تقاضای تعقیب کافی دانسته باشد» (پارسایی، ۱۳۹۲، ص ۷۲).

ممکن است انتخاب مدت شش ماه با توجه به سوابقی بوده که در حقوق ایران در این باره موجود بوده است و به همین ترتیب اگر متضرر از جرم، تا شش ماه از تاریخ اطلاع شکایت نمی کرد، حق تعقیب وی ساقط می شد. این مدت در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ برای متضرر از جرم افزایش یافته و به مهلت یک ساله در جهت داشتن حق شکایت در جرایم تعزیری قابل گذشت اعطا شده است و در واقع این اقدام قانونگذار در جهت تعیین مدت برای مرور زمان شکایت اقدامی مثبت می باشد؛ چرا که قانونگذار از این طریق خواسته جلوی سوءاستفاده شاکی را بگیرد و راه بازگشت پاره ای از دعاوی را که مدتی مسکوت مانده اند مسکوت نماند و از تراکم بیش از حد پرونده ها در محاکم جلوگیری نماید به خصوص که اصولاً مرور زمان موجب سقوط دعوی است نه سقوط حق (پارسایی، ۱۳۹۲، ص ۷۲).

بنابراین، در حقوق کیفری ایران و ماده ۱۰۶ ق.م.ا. مصوب ۱۳۹۲ مدت مرور زمان شکایت یک سال از تاریخ اطلاع از وقوع جرم است که پس از انقضای آن دعوی عمومی یا اجرای مجازات متوقف می شود لکن در مورد ورثه بزه دیده متوفی شاکی، از تاریخ فوت است.

مبدأ مرور زمان شکایت

تاریخ مرور زمان در جرایم مختلف متفاوت است. مبدأ مرور زمان شکایت هم بر اساس ماده ۴۸ ق.م.ع. مصوب ۱۳۵۲ و ماده ۱۰۶ ق.م.ا. مصوب ۱۳۹۲ از تاریخ اطلاع از وقوع جرم در نظر گرفته شده است. بنابراین، در حقوق کیفری ایران و ماده ۱۰۶ ق.م.ا. مصوب ۱۳۹۲ مبدأ مرور زمان شکایت از تاریخ اطلاع متضرر از وقوع جرم است و منظور از شروع یا مبدأ مرور زمان

تاریخ شروع آن است. به نظر می آید که این ملاک در نظر گرفته شده توسط قانونگذار مناسب می باشد زیرا مواردی ممکن است اطلاع متضرر از جرم موخر بر زمان وقوع جرم باشد یا این که به دلایلی اطلاع شخص از وقوع جرم به تأخیر افتد که در آن صورت مدتی از مهلت در نظر گرفته شده برای حصول مرور زمان خواهد گذشت (حائری، ۱۳۸۴، ص ۱۵-۱۲). لذا قانونگذار به صراحت پذیرفته است که از نظر وی مهم نیست که چه زمانی جرم بسته به تقسیم بندی آن (ساده، مرکب، آبی، مستمر، به عادت) محقق شده است بلکه مهم آن است که چه زمانی مجنی علیه از وقوع جرم مطلع شده است و هر زمان که وی مطلع شده در واقع از آن زمان مدت مرور زمان شکایت، شروع می شود. البته این مسأله اندکی دارای ابهام می باشد چرا که مقنن مشخص نموده است که ملاک برای اطلاع مجنی علیه چه چیزی است زیرا همانطور که گفته شد تاریخ مطلع شدن مجنی علیه در جرایم مختلف متفاوت می باشد و شاید در واقع به همین علت بوده است که قانونگذار ملاکی را برای این منظور در نظر گرفته است. به نظر می آید با توجه به اصول و قواعد حقوقی شاید بتوان اینطور گفت که زمانی که هر شخص متعارف و سالم با توجه به امکانات و وسایلی که در دسترس وی می باشد، از وقوع جرم علیه خود مطلع گردد و متوجه شود که عمل صورت گرفته علیه وی جرم به حساب می آید را باید به عنوان تاریخی برای اطلاع از وقوع جرم در نظر گرفت. البته ممکن است مجنی علیه مدعی گردد که از وقوع جرم مطلع نبوده است و دلایل محکمه پسند در این زمینه داشته باشد که قانونگذار استثنائاتی در ادامه ماده ۱۰۶ ق.م.ا. بیان کرده که در ادامه به آن پرداخته می شود.

استثنائات مرور زمان شکایت

عدم رعایت مرور زمان شکایت بنا بر صراحت قانون یک سال از تاریخ اطلاع وقوع جرم تعیین شده است و اگر در این مدت شکایتی توسط شاکی مطرح نگردد حتی اگر دلایل محکمه پسند باشد، مقام قضایی امکان قانونی برای احقاق حق ندارد. بلکه شایان ذکر است که قانون گذار یک سری استثنائات را در این باب مطرح کرده است چرا که حق شکایت یک ساله در کلیه موارد نمی توانست حقوق شاکیان را محفوظ دارد؛ زیرا قانونگذار عدم شکایت متضرر از جرم را، در مدت مقرر از تاریخ اطلاع، اماره قانونی برای انصراف از تعقیب دانسته و مسلم است که در این صورت متضرر از جرم با اراده آزاد خود و دور از هر گونه اجبار و اکراه ترک شکایت کرده است و در صورتی که اراده آزاد وجود نداشته باشد یا بر فرض وجود اعتبار قانونی نداشته باشد اماره فوق (انصراف) محقق نشده است. بنابراین مقنن سعی نموده است که حتی الامکان مواردی استثنایی را پیش بینی نماید. با توجه به ماده ۱۰۶ ق.م.ا. مصوب ۱۳۹۲ این استثنائات به سه قسم تقسیم می شوند که بیان می شوند:

۱. تحت سلطه متهم بودن، متضرر از جرم

کلمه سلطه در این ماده را می توان به دو شکل تفسیر نمود: (۱) سلطه قانونی (۲) سلطه فیزیکی و روانی. سلطه سلطه قانونی در صورت های خاص خود در ماده ۱۲۱۸ ق.م.ا.^{۱۱} پیش بینی شده است و فقط در مورد محجورین ممکن است تحقق یابد (صغار، غیررشید و مجانین) که شکایت آنان در مراجع قضایی در مورد جرایم قابل گذشت، عملاً پذیرفته نیست. چگونگی رفع سلطه قانونی در مورد صغار از تاریخ رشد و در مورد سایر محجورین از تاریخ قطعیت حکم دادگاه مبنی بر رفع حکم حجر از آنان می باشد و این دسته از افراد می توانند بعد از رفع مانع (سلطه قانونی) اقدام به شکایت برای احقاق حق خویش نمایند (پارسایی، ۱۳۹۲، ص ۷۹).

منظور از سلطه فیزیکی همان زندانی شدن شاکی توسط متهم می باشد و منظور از سلطه روانی همان اکراه می باشد مانند آنکه متهم برای آنکه از طرح شکایت شاکی علیه خود جلوگیری نماید، وی را در مکانی حبس نماید تا بدین ترتیب شاکی

۱۱- "ماده ۱۲۱۸ - برای اشخاص ذیل نصب قیم می شود:

۱- برای صغاری که ولی خاص ندارند.

۲- برای مجانین و اشخاص غیر رشید که جنون یا عدم رشد آنها متصل به زمان صغر آنها بوده و ولی خاص نداشته باشند.

۳- برای مجانین و اشخاص غیر رشید که جنون یا عدم رشد آنها متصل به زمان صغر آنها نباشد."

نتواند به مراجع قضایی طرح دعوی نماید. در مورد سلطه روانی سوالی ممکن است به ذهن متبادر گردد و آن این است که آیا تهدید شاکی به عدم شکایت نیز باعث قطع مرور زمان می گردد؟ برای پاسخ به این سوال ابتدا باید مشخص شود که سلطه روانی به چه معناست؟

منظور از سلطه روانی همان اکراه می باشد و چنانچه می دانیم اکراه به دو نوع مادی و غیرمادی تقسیم می شود. اکراه مادی یا همان اجبار به معنای سلطه فیزیکی می باشد. برای پاسخ به سوال فوق، باید بگوییم صرف عمل تهدیدآمیز توسط متهم باعث قطع جریان مرور زمان نمی گردد و باعث نمی شود که شاکی آن را بعنوان دلیلی محکمه پسند برای طرح عدم شکایت خود در مهلت قانونی اقامه نماید چرا که استثناء مذکور که توسط مقنن برای شاکی تعبیه شده است امری است که می بایست آن را تفسیر مضیق نمود و جلوی تعبیر آن به شکل موسع را گرفت. لذا مثلاً اگر متهم در جرمی به شاکی بگوید اگر از من شکایت نمایی نمی گذارم بعد از این زندگی راحتی داشته باشی یا نمی گذارم آبرویی برایت باقی بماند و مانند این نوع تهدیدها، این باعث نمی شود که شاکی به استناد اینکه از ناحیه متهم تهدید شده بود و تحت سلطه وی بوده، بخواهد بعد از مدت مقرر در ماده ۱۰۶ ق.م.ا. (یک سال از تاریخ اطلاع از وقوع جرم) شکایت خود را در مراجع قضایی ذی صلاح پیگیری نماید.

۲. فوت متضرر از جرم

قانونگذار بیان نموده هرگاه متضرر از جرم قبل از انقضای مدت فوت کند و دلیلی بر انصراف رایج و یا ضمنی او از شکایت موجود نباشد، تعقیب متهم از طرف هر یک از ورثه وی در صورتی به عمل می آید و قابل پذیرش است که از تاریخ فوق بیش از شش ماه نگذشته باشد. بدیهی است که منظور از مدت، همان یکسال مذکور در صدر ماده ۱۰۶ ق.م.ا. می باشد. گذشت متضرر قبل از فوت ممکن است بطور صریح یا ضمنی باشد. گذشت صریح یعنی شاکی صریحاً و بطور واضح متهم را ببخشد و از شکایت علیه وی خودداری کند. گذشت ضمنی موردی است که از رفتار متضرر این طور برداشت می شود که از شکایت علیه متهم صرف نظر کرده است مانند موردی که متضرر و متهم رابطه خویشاوندی با هم دارند و پس از آن که متهم به وی اهانت نمود، باز هم عملاً رابطه خودشان را با هم حفظ نمایند و به آن ادامه دهند. با توجه به این نوع گذشت باید گفت اگر دلیل صریح و یا ضمنی بر گذشت متضرر نباشد هر یک از وراث قانونی می توانند متهم را تحت تعقیب کیفری قرار دهند. مهلت در نظر گرفته شده توسط قانون گذار برای وراث ۶ ماه از تاریخ فوت متضرر می باشد.

۳. علل خارج از اختیار متضرر

به نظر می آید عبارت خارج از اختیار مصادیق گسترده ای را در خود جای دهد. این علل می تواند قوه قاهره، مرض و بستری بودن متضرر از جرم، زندانی بودن آن، تحت سلطه قانونی قرار بودن متهم و مواردی از این دست باشد. در واقع اگر شاکی بتواند این مواردی که توضیح داده شد را ثابت نماید می تواند جلوی جاری شدن مورد زمان کیفری جرم تعزیری را بگیرد و متهم را مجازات نماید.

نکته آخر در پایان مباحث مرور زمان شکایت آن است که در تبصره ماده ۱۰۶ ق.م.ا. آمده است: «غیر از مواردی که شاکی تحت سلطه متهم بوده، در صورتی به شکایت وی یا ورثه او رسیدگی می شود که جرم موضوع شکایت ماده (۱۰۵) این قانون مشمول مرور زمان نشده باشد» این ماده در صدر آن است تا عنوان کند که در واقع اگر جرم تعزیری که متهم مرتکب آن شده است، موعده مذکور را برای تعقیب تا صدور حکم در نظر گرفته شده است را سپری کرده باشد، مرور زمان جاری می گردد هر چند اگر شاکی به علتی خارج از اختیار در مهلت یک سال طرح دعوی نکرده باشد، فقط یک استثناء وجود دارد و آن این است که اگر شاکی تحت سلطه متهم باشد، این امر باعث جاری نشدن مرور زمان می شود. هر چند اگر از مواعده مذکور مورد نظر در ماده ۱۰۵ گذشته شده باشد.

نتیجه

بحث مرور زمان کیفری بحث حساس و مهمی است، مقنن بعد از انقلاب اسلامی مرور زمان کیفری را که یکی از عوامل مهم سقوط مجازات است و نقش ارزنده و مهمی از جهت سیاست کیفری به دلیل فصل پرونده های کیفری و جلوگیری از تراکم امور در مراجع قضایی از یک طرف و جلوگیری از هزینه های سرشار دادرسی و تأمین منافع فرد مورد تعقیب از جهت دیگر دارد به علت مغایرت با شرع اسلام منسوخ اعلام کرد ولی بعداً با تصویب آن در قانون آئین دادرسی کیفری سال ۱۳۷۸ و اصلاح آن در قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ آن را مجدداً مورد پذیرش قرارداد. مباحث صورت گرفته پیرامون موضوع حاکی از آن است که مرور زمان شکایت، با گذشت مدتی از تاریخ اطلاع از وقوع جرم و عدم شکایت متضرر از جرم، باعث می شود دیگر شکایت کیفری قابل استماع نخواهد بود. این امر در ماده ۱۰۶ ق.م.ا. مصوب ۱۳۹۲ پیش بینی شده است. مرور زمان شکایت در جرائم تعزیری پذیرفته شده است، بنابراین در جرائم مستوجب قصاص، دیات و حدود جریان ندارد. همچنین مرور زمان شکایت در همه جرائم قابل تعزیر جریان ندارد بلکه در جرائم تعزیری قابل گذشت جریان دارد، لذا شامل جرائم تعزیری غیرقابل گذشت نخواهد بود. همچنین جرائم تعزیری قابل گذشت در ماده ۱۰۴ ق.م.ا. مصوب ۱۳۹۲ پیش بینی شده است. مبدأ مرور زمان شکایت از تاریخ اطلاع متضرر از وقوع جرم است و منظور از شروع یا مبدأ مرور زمان تاریخ شروع آن است. مدت مرور زمان شکایت یک سال از تاریخ اطلاع از وقوع جرم است که پس از انقضای آن دعوی عمومی یا اجرای مجازات متوقف می شود لکن در مورد ورثه بزه دیده متوفی، از تاریخ فوت است. سپری شدن مدت مرور زمان شکایت، منوط به تحت سلطه متهم نبودن متضرر است و باوجود یک مانع که به این اسباب، متضرر قادر به شکایت نبوده که در این صورت مهلت یک ساله مرور زمان از تاریخ رفع مانع خواهد بود. قطع مرور زمان شکایت: در مرور زمان شکایت آنچه سبب قطع این مرور زمان می شود اقدام به شکایت کیفری متضرر از جرم یا بزه دیده است.

منابع

- آخوندی، محمود. (۱۳۹۰). **آئین دادرسی کیفری**، تهران: انتشارات طبع و نشر، چاپ شانزدهم.
- آشوری، محمد. (۱۳۹۵). **آئین دادرسی کیفری**، تهران: انتشارات سمت، چاپ نوزدهم.
- پارسائی، محمدباقر. (۱۳۹۲). **مرور زمان کیفری**، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه دامغان
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر. (۱۳۹۴). **ترمینولوژی حقوق**، تهران: انتشارات گنج دانش، چاپ بیست و هشتم.
- حائری، مسعود. (۱۳۸۴). **مرور زمان کیفری در حقوق ایران، ابهامات و کاستی ها و چاره جویی ها**، تهران: مجله دانشکده حقوق علوم سیاسی
- خالقی، علی. (۱۳۹۴). **آئین دادرسی کیفری**، تهران: انتشارات شهر دانش، چاپ بیست و هفتم.
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷). **لغت نامه دهخدا**، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول
- زراعت، عباس. (۱۳۹۳). **آئین دادرسی کیفری**، تهران: انتشارات میزان، چاپ اول.
- سبزواری نژاد، حجت. (۱۳۹۳). **حقوق جزای عمومی**، تهران: انتشارات جنگل، چاپ اول.
- سرشار، محمود. (۱۳۲۸). **مرور زمان ۲**، مجله کانون وکلا، سال دوم، شماره یازدهم.
- صالحی، وحید. (۱۳۹۳). **جایگاه مرور زمان کیفری**، انتشارات جاودانه جنگل، چاپ اول
- طهماسبی، جواد. (۱۳۹۵). **آئین دادرسی کیفری**، تهران: انتشارات میزان، چاپ دوم.
- عمید، حسن. (۱۳۷۵). **فرهنگ فارسی عمید**، تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ ششم.
- قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات ۱۳۹۴/۳/۲۴ نشر روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول.
- گروه مولفان. (۱۳۸۹). **فرهنگ حقوقی مجد**، تهران: انتشارات مجد، چاپ دهم
- نبروی، نبیل. (۱۹۹۶م). **سقوط الحق فی العقاب بین الفقه الاسلامی و التشریح الوضعی**، بیروت: دارالفکر العربی.
- نوریها، رضا. (۱۳۸۴). **زمینه حقوق جزای عمومی**، تهران: انتشارات گنج دانش، چاپ چهاردهم